

مروری کوتاه بر زیست‌نامه آنتونی گیدنز (آثار، نظریات و مفاهیم اساسی)

سید آقاضیاء سجادی *

چکیده

در تحقیق پیشرو تلاش شده است درباره زندگی‌نامه و محل تولد، آثار و تألیفات، نظریه‌ها مفاهیم مطرح‌شده، تأثیرگذاری بر اندیشمندان و تأثیرپذیری از اندیشمندان دیگر یکی از اندیشمندان و نظریه‌پردازان مدرن جامعه‌شناسی به نام آنتونی گیدنز، کنکاش و بررسی مختصری انجام گیرد. در نتیجه می‌توان بیان نمود تحقیق موردنظر دربرگیرنده موضوعات ذیل خواهد بود.

۱- زندگی‌نامه آنتونی گیدنز ۲- آثار وی ۳- نظریه‌ها و مفاهیم اساسی مطرح‌شده از سوی گیدنز ۴- شخصیت‌ها و اندیشمندان تأثیرگذار بر آنتونی گیدنز ۵- اشخاص تأثیرپذیر از وی.

آنتونی گیدنز در علوم اجتماعی بعد از جنگ دوم جهانی یک پدیده محسوب می‌شود و حدود سه دهه است که قدرت چشمگیری در جامعه‌شناسی پیدا کرده است. وی یکی از نظریه‌پردازان اجتماعی برجسته و تأثیرگذار بر جامعه‌شناسی در چند دهه گذشته است که از این لحاظ می‌توان او را با پارسونز، فوکو و هابرماس مقایسه کرد.

* دانش پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی / جامعه المصطفی العالمیه / مجتمع آموزش عالی علوم انسانی

مقدمه

درباره موضوعات علوم انسانی و از آن میان علم جامعه‌شناسی صاحب‌نظران بسیاری به نظریه‌پردازی و ارائه نظریه‌ای خود پرداخته‌اند. به همین جهت نظریه‌های مطرح‌شده در عرصه جامعه‌شناسی مانند علوم انسانی دیگر تحت عناوین مختلفی مانند نظریه‌های کلاسیک، نظریه‌های مدرن و ... طرح گردیده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. چنانکه صاحب‌نظران نیز به عنوان‌های یاد آمده دسته‌بندی شده‌اند.

در حال حاضر وی یکی از نظریه‌پردازان برجسته علوم اجتماعی دنیای انگلیسی‌زبان است.

گسترگی آثار، ابتکار و خلاقیت و توانایی وی در توضیح نکات دشوار و مبهم ستودنی است. بخش قابل‌توجهی از نوشته‌های گیدنز به نقد اندیشه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک اختصاص دارد (project.ir ۱۲۳)

«آنتونی گیدنز در ایران نام شناخته‌شده‌ای است. چندین کتاب از وی به فارسی ترجمه‌شده، تعدادی از مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های او در روزنامه‌ها و مجلات انعکاس پیدا کرده و کتاب جامعه‌شناسی او، مهم‌ترین کتاب پایه جامعه‌شناسی برای دانشجویان و علاقه‌مندان به علوم اجتماعی محسوب می‌شود. به‌طور کلی وی یکی از پر ارجاع‌ترین نظریه‌پردازان اجتماعی در کتب علوم اجتماعی، مجلات فکری و آکادمیک و صفحات اندیشه روزنامه‌های ایرانی بوده است.» (گیدنز، ۱۳۸۴، ۱).

۱. تولد و زندگی نامه آنتونی گیدنز

آنتونی گیدنز که مهمترین و بانفوذترین نظریه‌پرداز اجتماعی بریتانیا و جهان در دوره معاصر است در ۱۸ ژانویه ۱۹۳۸ در محله ادمونتون لندن در خانواده پایین‌تر از یک خانواده طبقه متوسط چشم به جهان گشود. پدرش کارمند اداره

حمل و نقل عمومی لندن بود آنتونی اولین فرد خانواده‌اش بود که به دانشگاه راه پیدا کرد و توانست اولین مدرک دانشگاهی‌اش را از دانشگاه هال دریافت نماید (project.ir ۱۲۳). او در دانشگاه هال و مدرسه اقتصاد و دانشگاه لندن تحصیل کرد. گیدنز در ۱۹۶۱ مربی در دانشگاه لیستر شد. نخستین کارهای او جنبه تجربی داشت. در ۱۹۶۹ مربی جامعه‌شناسی در دانشگاه پرآوازه کمبریج و نیز عضو کالج کینگ شد. سپس به بررسی‌های میان فرهنگی روی آورد و نخستین کارش که شهرت بین‌المللی به دست آورد، کتاب ساختار طبقاتی جوامع پیشرفته است که در ۱۹۷۵ منتشر شد. او در سال ۱۹۸۵، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه کمبریج شد. اکنون بیش از سه دهه است که گیدنز قدرت چشمگیری در نظریه جامعه‌شناسی پیدا کرده است. وی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری جامعه‌شناسی بریتانیا داشته است. از جمله این که به عنوان ویراستار مشاور در دو بنگاه انتشاراتی مک‌میلان و هارپینسون خدمت کرده است؛ کتاب‌های بسیاری به ویراستاری او منتشر شده است. از این مهم‌تر آن که او یکی از بنیان‌گذاران انتشارات پولیتی‌پرس بوده که به‌ویژه در نظریه جامعه‌شناسی بسیار فعال و بانفوذ بوده است. او هم‌چنین یک کتاب درسی به سبک آمریکایی به نام جامعه‌شناسی در ۱۹۸۷ منتشر کرد که توفیق جهانی داشته است.

گیدنز به عنوان یک نظریه‌پرداز در ایالات متحده و در بسیاری از نقاط دیگر جهان بسیار بانفوذ بوده است و کارهای او در نقاط دیگر جهان بیشتر از کشور خودش با اقبال روبرو شده است. (ریتزر، ۱۳۹۲، ۶۷۲).

او عضو شورای مشورتی بنیاد تحقیقات خط‌مشی عمومی بریتانیا بوده است. (اکرمی، دوره ۶، شماره پاییز).

۲. آثار و تألیفات گیدنز

گیدنز به عنوان یکی از متفکران و جامعه‌شناسان مطرح جهانی که در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بیشتر فعالیت کرده و خود را به عنوان بزرگترین اندیشمند

عرصهٔ سوسیال‌دموکراسی و راه سوم یعنی نه چپ و نه راست مطرح کرده و مشاور دو بنگاه انتشاراتی مهم مک میلان و هاجینسون و مدیر و مؤسس انتشارات پالیتی بلکول و پولیتی پرس بوده درعین‌حال کتاب‌های فراوانی تألیف نموده است. آثار او که بالغ بر ۳۵ عنوان کتاب و حدود ۲۰۰ مقاله می‌رسد (گیدنز، ۱۳۸۴، ۱۱۰-۱۴۰) به بیش از ۳۵ زبان دنیا ترجمه‌شده است بعضاً در ایران چاپ و ترجمه‌شده و از استقبال زیادی در ایران و البته کل جهان برخوردار است. به‌طور خلاصه می‌توان برای فعالیت‌های دانشگاهی گیدنز سه مرحله را ترسیم کرد:

در مرحله اول گیدنز کوشش خود را بر بازخوانی تئوریک و متدولوژیک تئوری‌های جامعه‌شناسی و نقد تفاسیر موجود کلاسیک متمرکز کرده است. در این مرحله می‌توان «سرمایه‌داری و نظریهٔ اجتماعی مدرن» (۱۹۷۱)، Capitalism and modern social theory و «قواعد جدید روش جامعه‌شناختی New rules of sociological method» (۱۹۷۶) را از برگزیده‌ترین آثار او برشمرد.

در مرحلهٔ دوم آثار گیدنز به طرح و تدوین نظریهٔ «ساخت‌یابی» اختصاص می‌یابد و در همین مرحله است که به‌عنوان یک نظریه‌پرداز بسیار مهم آثار همچون «مسائل محوری در نظریهٔ اجتماعی» (۱۹۷۹)، Central problems in social Theory و «ساختمان جامعه» (۱۹۸۴)، The Constitution of society که مرتبط به همین نظریه است تدوین و ارائه می‌نماید.

در سومین مرحله گیدنز افکار خود را به تحقیقاتی دربارهٔ موضوع مدرنیته و سیاست معطوف می‌دارد و در این مرحله تأثیرات مدرنیته را بر حیات فردی و اجتماعی بررسی می‌کند. از میان آثار ایشان در این دو عرصه می‌توان به «پیامدهای مدرنیته» (۱۹۹۰)، Consequences of Modernity، «تجدد و تشخیص» (۱۹۹۱)، Modernity and self-identity، «تغییر شکل روابط

نزدیک (۱۹۹۲)، The Transformation of intimacy، فراسوی چپ و راست (۱۹۹۴)، Beyond left and right و راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی (۱۹۹۸)، The Third way: The Renewal of social democracy» اشاره نمود. (جلائی پور و محمدی، ۱۳۸۸، ۳۷۰-۳۷۱).

باتوجه به اینکه در طی بیان مراحل فعالیت‌های دانشگاهی آنتونی گیدنز بعضی از آثار وی نام‌برده شد ذیلاً برخی از آثار و تألیفات مهم آنتونی گیدنز برای آشنایی بیشتر خوانندگان فهرست می‌شود:

۱. سرمایه‌داری و نظریه اجتماعی مدرن، آنتونی گیدنز، ۱۹۷۱
۲. قواعد جدید روش‌شناختی، آنتونی گیدنز، ۱۹۷۶
۳. مسائل محوری در نظریه اجتماعی، آنتونی گیدنز، ۱۹۷۹
۴. ساختمان جامعه، آنتونی گیدنز، ۱۹۸۴
۵. پیامدهای مدرنیته، آنتونی گیدنز، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۹۹۰
۶. تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، آنتونی گیدنز، ترجمه ناصر موفقیان، ۱۹۹۱
۷. تغییر شکل روابط نزدیک، آنتونی گیدنز، ۱۹۹۲
۸. جامعه‌شناسی گیدنز، ترجمه منوچهر صبوری که تقریباً منبع درسی تمامی دانشجویان جامعه‌شناسی جهان است، ۱۹۸۷
۹. فراسوی چپ و راست، آنتونی گیدنز، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۹۹۴
۱۰. راه سوم و نقدهای آن، بازسازی سوسیال دموکراسی، آنتونی گیدنز، ۲۰۰۰
۱۱. ساختار طبقاتی جوامع پیشرفته، آنتونی گیدنز، ۱۹۷۳
۱۲. نقدی امروز بر ماتریالیسم تاریخی، آنتونی گیدنز، ۱۹۸۱
۱۳. ساخت جامعه، رئوس نظریه ساختاربندی، آنتونی گیدنز، ۱۹۸۴
۱۴. جهان رهاشده، آنتونی گیدنز، ۱۹۹۹
۱۵. مدرنیته و هویت شخصی، آنتونی گیدنز، ۱۹۹۱

۱۶. سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، آنتونی گیدنز، ترجمه منوچهر صبور، ۱۹۹۵

۱۷. چشم‌اندازهای جهانی، آنتونی گیدنز، ترجمه محمدرضا جلائی‌پور

۱۸. روی لبه: زندگی با سرمایه‌داری جهانی، آنتونی گیدنز، ۲۰۰۰

۱۹. راه سوم و نقدهای آن، آنتونی گیدنز، ۲۰۰۰

۲۰. حزب کارگر جدید باید به کدام سو رود؟ آنتونی گیدنز، ۲۰۰۲

۲۱. بنیاد جامعه، آنتونی گیدنز

۳. مفاهیم اساسی گیدنز

گیدنز که امروز از تدریس بازنشسته شده، در ۱۸ دانشگاه معتبر جهان از جمله در آمریکا و انگلستان و فرانسه تدریس کرده است و کتب او جزء پرفروش‌ترین کتاب‌های دانشگاهی هستند و در طول سال‌های گذشته ۱۴ لوح افتخار و دکترای افتخاری از مراجع علمی معتبر دریافت نموده. وی مشاور محبوب تونی بلر نخست‌وزیر انگلستان بوده و اندیشه‌های او تأثیر عمیقی بر سیاستمداران آمریکایی و اکثر سوسیال‌دموکرات‌ها در انگلستان و آلمان و آمریکای لاتین داشته است. (گیدنز، ۱۳۸۴، ۱۳).

اندیشه‌های گیدنز به واسطه سنتز و ترکیبی بودن، مختص یک حوزه خاص نیست و آثار و افکار وی در حوزه‌های نظریه اجتماعی، ساختار طبقاتی، ملیت، هویت شخصی و اجتماعی، تاریخ اندیشه اجتماعی، رابطه انسانی، جامعه‌شناسی خانواده، جنیست، (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۵۴-۲۵۱). نخبگان و قدرت، اندیشه سیاسی، (گیدنز، ۱۳۸۷، ۲۹۵). ساختار جامعه و... قابل تبیین و تشریح است؛ اما در اندیشه گیدنز، مسئله راه سوم و سوسیال‌دموکراسی، نظریه ساختاربندی، دوگانگی ساخت، مدرنیته و جهانی‌شدن از همه مهم‌تر است. (ریتزر، ۱۳۹۲، ۶۵۸-۶۶۵).

در نظریه ساختاربندی، گیدنز با عبور از دو مکتب کارکردی و کنش که یکی بر ساختار و دیگری بر کنش توجه می‌کند، به نظریه ترکیبی روی می‌آورد و کلید

فهم دگرگونی‌های علوم اجتماعی را رابطه کنش انسان و ساخت اجتماعی می‌داند و معتقد است تحلیل جامعه نباید صرفاً در سطح خرد یا کلان خلاصه شود و بر تقابل تاریخی خرد و کلان یا کنش و ساخت خط بطلان می‌کشد. (همان، ۶۵۸ - ۶۶۵). او خود می‌گوید: «پهنه اساسی بررسی علوم اجتماعی برابر با نظریه ساختاربندی، نه تجربه کنشگر فردی است و نه وجود هرگونه کلیت اجتماعی، بلکه این پهنه همان عملکردهای اجتماعی است که در راستای زمان و مکان سامان می‌گیرند.» (گیدنز، ساخت جامعه، ۲).

گیدنز در نظریاتش به مسئله «بازاندیشی» نیز توجه کرده است. او نقد خود و بازاندیشی شخصی را خصایص اصلی زندگی اجتماعی می‌داند و معتقد است در جامعه مدرن انسان دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می‌کند و این‌که چه کسی هستند و چگونه این‌گونه شده‌اند را مدام مرور می‌کنند. بر این اساس انسان مدرن، دارای نوعی هویت شخصی است که می‌تواند خود را برای دیگران توضیح دهد و این شاخصه عصر حاضر است (ریتزر، ۱۳۹۲، ۱۱۱۰).

گیدنز در بخشی دیگر از نظریاتش بارد پست‌مدرنیسم معتقد است ما در مدرنیته متأخر به سر می‌بریم و وضعیت حاضر نه پست‌مدرنیسم و پایان مدرنیسم که تکامل و تکمیل و توسعه و تشدید مدرنیته است. (گیدنز، ۱۳۸۴، ۶۳). او چهار بنیان مدرنیزاسیون و مدرنیته اولیه را قدرت اجرایی واداری، قدرت نظامی، سرمایه‌داری و صنعتی می‌داند که در مدرنیته متأخر بر مبنای سه فرآیند به هم وابسته است: جهانی‌شدن، بازاندیشی اجتماعی و سنت زدایی. (همان، ۷۲ - ۷۱).

بخش مهمی از افکار گیدنز که علت اساسی مشهوری او نیز هست، راه سوم و احیای سوسیال‌دموکراسی است. او در جهانی که اندیشه‌های چپ و راست دچار خمودگی و فرسودگی شده است، راه سومی را پیشنهاد می‌دهد و معتقد است کشورها در این مسیر باید مسائل جدیدی را موردتوجه قرار دهند از جمله فهم دقیق پدیده جهانی‌شدن، درک روشن از مفهوم فردگرایی در عصر حاضر، شناخت

صحیح مقوله چپ و راست، فهم از سازماندهی سیاسی، مسائل زیست‌بوم، فراهم کردن شرایط مشارکت مردم، تلاش برای ادغام اجتماعی افرادی که در سیستم سرمایه‌داری عقب می‌مانند. (گیدنز، ۱۳۸۴، ۳۲-۳۱)

گیدنز یکی از اولین متفکران نظریه‌پرداز جهانی‌شدن نیز است و تا حدودی مدرنیته متأخر را معلول جهانی‌شدن می‌داند و بادید مثبتی که به جهانی‌شدن دارد جهانی‌شدن را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرآیند به هم‌وابستگی روزافزون ما». این فرآیند به هم‌وابستگی روزافزون برای انسان را امری گریزناپذیر و انکارناشدنی در جهان امروز می‌پندارد. در بسیاری از کتاب‌های گیدنز می‌توان رد پای این موضوع را دید. ولی به‌طور خاص کتاب‌های جهان رهاشده، در آستانه زندگی با سرمایه‌داری جهانی و مجموعه چشم‌اندازهای جهانی به موضوع جهانی‌شدن اختصاص پیدا کرده‌اند. (همان، ۳۷۰ - ۳۶۰).

۴. نظریه‌های گیدنز

گیدنز را می‌توان از مؤثرترین نظریه‌پردازان اجتماعی برشمرد. تأثیر گیدنز را در جامعه‌شناسی با تأثیر پارسونز، فوکو و هابرماس می‌شود مقایسه کرد. برخی وی را در کنار بوردیو از برجسته‌ترین جامعه‌شناسانی می‌دانند که تئوری‌ها را ترکیب می‌کند و سنتز می‌سازد. چنانچه گیدنز را از مهم‌ترین جامعه‌شناسان زمانه ندانیم جا دارد وی را در کنار هابرماس، جفری الکساندر، رندال کالینز و بوردیو یکی از شاخص‌ترین جامعه‌شناسان زنده به حساب آوریم. در نوشتار پیش‌رو به ۵ نظریه مطرح‌شده از سوی آنتونی گیدنز پرداخته شده است.

۴.۱. نظریه ساختیابی

از میان نظریه‌های مطرح‌شده از سوی گیدنز نظریه‌های «ساختیابی»، «دوگانگی ساخت» و «بازاندیشی» از اهمیت افزون‌تری برخوردار است. (همان، ۱۴). «گیدنز از همان سال‌های اولیه تولید علمی خود در کتاب‌های قواعد جدید

روش جامعه‌شناسی (۱۹۷۶) به صورت‌بندی نظریه ساختیابی می‌پردازد و درنهایت در کتاب بنیاد جامعه: طرح نظریه ساختیابی نظریه خود را شرح و بسط می‌دهد. ردپای نظریه ساختیابی تقریباً در همه آثار گیدنز به چشم می‌خورد». (گیدنز، ۱۳۸۴، ۱۷).

به نظر گیدنز اساسی‌ترین نکته برای درک دگرگونی‌های علوم اجتماعی توجه نمودن به رابطه کنش انسانی و ساخت اجتماعی است؛ یعنی هر پژوهش و بررسی علمی در حوزه علوم اجتماعی به نحوی درصدد بیان رابطه بین عاملیت و ساختار است. برخلاف نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی که معمولاً بر یکی از این دو تأکید دارد و یکی را عامل تعیین‌کننده می‌داند. به‌عنوان مثال کارکردگرایی و نظریه‌های ساختارگرا (در اشکال مختلف پارسونز و نئو مارکسیستی) بیشتر بر ساختارها و ماهیت مشخص و قالبی و دیکته‌کننده آن تأکید دارند و به ساخت اولویت می‌دهند. در برابر آنان دیدگاه تفسیری و نظریه‌های همچون کنش متقابل نمادین و هرمنوتیک جایگاه تعیین‌کننده عامل‌ها و کارگزاران انسانی را در خلق و مدیریت جهان اجتماعی‌شان برجسته می‌کنند. به تعبیر دیگر تا دهه هفتاد نظریه‌های متعارف علوم اجتماعی همیشه یکی از دو عامل ساختار و عاملیت را اصل تلقی کرده و حالت میانی قائل نبودند، همواره دو نوع نظریه با سطوح خرد (کنش متقابل، مبادله) و کلان (کارکردگرایی ساختی، ساخت‌گرایی و تقابل) مطرح بوده است. (همان، ۱۸-۱۷). از اوایل دهه هفتاد نظریه‌های ترکیبی جدیدی طرح شدند که اکثراً حاصل ترکیب نظریه کنش متقابل نمادین و کارکردگرایی ساختی بودند.

«نظریه ساختیابی گیدنز مهم‌ترین نظریه ترکیبی در این زمینه است. او پاسخ جدیدی به مسئله رابطه فرد و ساخت می‌دهد. گیدنز با ذکر دلایلی نتیجه می‌گیرد که تمایز میان خرد و کلان تمایز سودمندی نیست او اعتقاد دارد این تمایز و تقابل میان خرد و کلان و عاملیت و ساختار، موجب برخی نارسایی‌های تحلیلی

شده است. به باور او این شکاف را باید پرکرد و این نظریه‌های ناتمام را ترکیب نمود. او خود پیش‌قدم می‌شود. مدلی پویا از رابطه کارگزار و سیستم، یا کنش و ساخت، یا فرد و جامعه ارائه می‌دهد. گیدنز برای نامیدن نظریه‌اش از واژه ساختیابی (structuration) استفاده کرد». (همان، ۱۸).

گیدنز با طرح نظریه خود تقابل ساخت و کنش را به رابطه میان آن دو تبدیل کرد، زیرا نظریه او گویای این نکته است که عامل انسانی و ساخت اجتماعی باهم در ارتباط‌اند و تکرار رفتارهای افراد، ساخت‌ها را مدام بازسازی می‌کند، به عبارت دیگر کنش انسان‌ها همواره ساخت را بازتولید می‌کند و به واسطه همین بازتولید توسط کنش انسانی، ساخت برای انسان‌ها محدودیت ایجاد می‌کند. یکی از مفاهیم اصلی نظریه گیدنز «دوگانگی ساخت» است. دوگانگی ساخت بدین معناست که ساخت‌های اجتماعی همزمان هم برکنش اثر می‌گذارند و هم نتیجه کنش انسانی‌اند؛ یعنی افراد همزمان با به وجود آوردن جامعه و ساختارهای آن، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.

در نظریه ساختیابی همین قواعد و منابعی که در جریان تولید و بازتولید کنش اجتماعی ساخته می‌شوند، وسیله بازتولید نظام اجتماعی نیز محسوب می‌گردند. گیدنز کوشش می‌کند «عاملیت» را از نیت جدا کند. به اعتقاد او بخش قابل توجهی از مهارت کنشگر، غیراستدلالی است و خود کنشگر نمی‌تواند دلایل آن را بر زبان بیاورد یا بیان کند که چه مواردی را در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر تجربه عینی اجتماعی، بیشتر ناخودآگاه است تا خودآگاه. اصولاً «خودآگاهی» یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه گیدنز است. (همان، ۲۰-۱۹).

اهمیت نظریه ساختیابی گیدنز

مزیت نظریه ساختیابی گیدنز در این است که به نتیجه‌گیری بدبینانه‌ای که ناظر به ناتوانی انسان در دگرگونی زندگی مدرن است منتهی نمی‌شود و کنشگران

در آن بی‌قدرت محسوب نمی‌گردند. در نظریه ساختیابی انسان‌ها عامل‌هایی هوشمند و آگاه فرض می‌شوند و «عینیت‌گرایی» به علت عدم درک پیچیدگی-های «عمل اجتماعی» که حاملانی آگاه و فهیم دارد دچار می‌شود. حتی گاهی گیدنز به صراحت می‌گوید در بسیاری موارد به نظر می‌آید مردم عملاً جهان را بهتر از جامعه‌شناسان می‌شناسند. (همان، ۲۲).

۴.۲. مدرنیته و هویت شخصی

یکی از عرصه‌های نظریه پردازی گیدنز مسئله مدرنیته و هویت شخصی است. گیدنز در کتاب‌های «پیامدهای مدرنیته»، «مدرنیته و هویت شخصی» و «دگرگونی در روابط نزدیک» به موضوع هویت در عصر مدرن می‌پردازد. گیدنز بر این باور است که در جوامع مدرن، «هویت شخصی» اهمیت بیشتری می‌یابد. همه انسان‌ها در جوامع مدرن باید به سؤالات مهمی درباره هویت خود پاسخ بدهند و ناگزیر در طول زندگی انتخاب‌های مهمی کنند. (همان، ۲۳).

۴.۳. سنت، مدرنیته اولیه و مدرنیته متأخر

گیدنز یک تقسیم‌بندی سه‌گانه از جوامع انسانی دارد: سنتی، مدرن اولیه و مدرن متأخر. به‌طور کلی تا انقلاب صنعتی دوره سنتی است؛ پس‌از آن تا دهه ۱۹۶۰ دوره مدرنیته اول و پس‌از آن تاکنون دوره مدرنیته متأخر شمرده شده است. شاخص نظریه گیدنز از دیگران اعتقاد به مدرنیته متأخر است. او معتقد است ما در حال حاضر در عصر پست‌مدرن زندگی نمی‌کنیم بلکه در عصر مدرنیته متأخر یا مدرنیته دوم یا مدرنیته فشرده قرار داریم. گیدنز با وجود پذیرش ویژگی‌های جدید زندگی اجتماعی که نظریه‌پردازان دیگر از ویژگی دوران پست‌مدرن دانسته‌اند معتقد است این ویژگی‌ها به معنای پایان دوران مدرن نیست بلکه صرفاً توسعه و تکامل مدرنیته است. او به همین خاطر مدرنیته متأخر را فاز دوم مدرنیته می‌داند. (همان، ۲۸).

۴.۴. سبک زندگی

گیدنز معتقد است در جامعه مدرن همه باید سبک زندگی خود را انتخاب کنند. هرچند امکان انتخاب برای گروه‌هایی بیشتر است. برای مثال ثروت یکی از عواملی است که امکان انتخاب را افزایش می‌دهد. سبک زندگی چیزی فراتر از اشتغالات موردعلاقه و کالاهای مصرفی است بلکه رفتارها و باورها را نیز شامل می‌شود. (همان، ۳۰).

۴.۵. جهانی شدن

گیدنز یکی از اولین متفکرانی بود که از اواسط دهه هشتاد به بحث جهانی شدن پرداخت. در بسیاری از کتاب‌های او می‌توان رد پای این بحث را دید ولی به‌طور خاص کتاب‌های جهان رها شده، در آستانه زندگی با سرمایه‌داری جهانی و مجموعه چشم‌اندازهای جهانی به موضوع جهانی شدن اختصاص دارد. در اندیشه گیدنز، جهانی شدن از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین خاطر مهم‌ترین مؤلفه مدرنیته متأخر از نظر وی جهانی شدن است و همین موضوع جایگاه جهانی شدن را نزد او به‌روشنی نشان می‌دهد.

۵. اندیشمندان مؤثر بر آراء گیدنز

گیدنز در اندیشه‌هایش از اندیشمندانی چون: مارکس، وبر، دورکیم (در زمینه سرمایه‌داری و زندگی اجتماعی) و پارسونز (کارکردگرایی)، ویلفردو پاره‌تو، شوتس، زیمل، گارفینگل، گافمن ویتگنشتاین متأثر بوده است. (کاظمی، ۱۳۹۳، بی ص). ولی تأثیر اندیشه‌های دورکیم، وبر، مارکس، گافمن و ویتگنشتاین بر آرای او مشهودتر است. (گیدنز، ۱۳۸۴، ۱۵-۱۴).

۶. اندیشمندان متأثر از آراء گیدنز

اندیشمندانی چون: لیدر اشتون، سونگ، مارگرت آرچر، یان کرایب. (ریتزر، ۱۳۹۲، ۷۰۷-۷۱۱). نوربرت الیاس، ویلیام سیول و راب استون. (راب، ۱۳۸۵، ۴۳۸). همگی تحت تأثیر نظریه ساختاربندی گیدنز قرار گرفته‌اند.

جمع‌بندی

بر اساس پژوهشی صورت گرفته می‌توان بیان داشت؛ گیدنز یکی از اندیشمندان اجتماعی مدرن و موفق است که تأثیراتی فراوانی بر جامعه غرب به‌ویژه انگلیسی‌زبانان داشته است. وی آثار و تألیفات بسیاری در عرصه‌های علوم اجتماعی دارد. گیدنز مفاهیم و نظریات فراوانی را که برخی از نظریات اندیشمندان پیش از خود را رد کرده یا توسعه می‌بخشد تولید کرده است. او در پی تلاش علمی‌اش نزد دانشجویان علوم اجتماعی و بعضی سیاستمداران جهان به‌ویژه غربی‌ها محبوبیت خوبی را به دست آورده است.

منابع

۱. استونز، راب، ۱۳۸۵، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، مرکز.
۲. اکرمی، علی‌اصغر، جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۶ شماره پاییز.
۳. جلائی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال، ۱۳۸۸، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران، نی.
۴. ریتزر، جورج، ۱۳۹۲، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
۵. کاظمی آرانی، فاطمه، ۱۳۹۳، مقاله آنتونی گیدنز، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه‌السلام).

۶. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷، تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نی.

۷. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۴، پیامد مدرنت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مرکز.

۸. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۴، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلائی‌پور، تهران، طرح‌نو.

۹. گیدنز، آنتونی و کارن بردسال، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نی.

۱۰ - project.ir ۱۲۳